گفت‌وگوی «جوان» با سردار محمدنبی رودکی رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس درخصوص عملیات رمضان

انجام عملیات رمضان در شرایط آن روز اجتناب‌ناپذیر بود

■ صغری خیل‌فرهنگ

صدام پس از اخراج از خرمشهر به بهانه حمله سراسری اسرائیل به جنوب لبنان، قصد داشت جنگ را خاتمه داده و خود را صلح‌طلب نشان دهد. از سوی دیگر فرماندهان ایرانی با اطلاع از این قصد بر آن شدند تا با فتح منطقه‌ای از خاک عراق و گرفتن امتیاز اراضی، پایان عادلانه‌ای برای جنگ رقم بزنند. به این ترتیب عملیات «رمضان» در چهار محور و پنج مرحله از سوی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران طراحی شد و در ۲۲ تیر ۱۳۶۱ با رمز «یا صاحب‌الزمان ادرکنی» در منطقه عملیاتی شلمچه در شرق بصره آغاز شد اما این عملیات آن‌طور که باید به اهداف از پیش تعیین شده دست نیافت. سردار محمدنبی رودکی فرمانده نام‌آشنای لشکر ۱۹ فجر شیراز در زمان انجام عملیات رمضان فرماندهی تیپ ۳۵ امام سجاد(ع) استان فارس را بر عهده داشت و به عنوان یک رزمنده و فرمانده حاضر در این عملیات اطلاعات خوب و جامعی از نحوه انجام عملیات رمضان دارد. گفت‌وگوی ما با رودکی را که اکنون رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس است، پیش رو دارید.

عکس: ایرنا

دلیل انجام عملیات رمضان چه بود آن‌هم بعد از اینکه عراق از خرمشهر و بخش اعظم خاک کشورمان اخراج شده بود؟

چند دلیل برای اجرایی شدن این عملیات وجود داشت. دلیل اول اینکه فرماندهان نظامی به امام خمینی (ره) پیشنهاد دادند از آنجایی که صدام آدم متکبر و قدرت‌طلبی است باید جلوی نفوذ و تجاوز مجدد عراقی‌ها را به خاک کشور بگیریم و در مرزها موقعیت بهتری را برای خودمان ایجاد کنیم. استدلالشان این بود که در صورت اجرای عملیات رمضان دشمن از مرزها فاصله می‌گیرد و حاشیه امنیتی ایجاد می‌شود.

دلیل بعدی اینکه سازمان‌های بین‌المللی ازجمله سازمان ملل تا قبل اینکه عملیات رمضان انجام شود به حق ایران توجهی نمی‌کردند. از این رو فرماندهان ارتش و سپاه با امام خمینی(ره) مشورت کردند و تصمیم بر اجرای عملیات رمضان گرفته شد. ما برای انجام این عملیات استعداد و نیروی بالای نظامی را تدارک دیده بودیم.

گویا مخالفت‌هایی هم از داخل کشور با انجام این عملیات شده بود.

در عقبه جبهه‌های جنگ، عده‌ای مخالف ادامه جنگ بودند. در این میان برخی افراد دلسوز ناآگاه هم از داخل کشور می‌گفتند و اصرار داشتند جنگ باید تمام شود اما امام خمینی تصمیم‌گیرنده نهایی بودند و فرمودند ما صدام را باید سر جای خودش بنشانیم. حالا که سازمان‌های بین‌المللی این کار را نمی‌کنند و حقوق ملت ایران را نمی‌دهند خود ما صدام را جای خودش می‌نشانیم. امام تعبیری این‌چنینی داشت.

ما یک ماه و ۲۰ روز بعد از آزادسازی خرمشهر وارد عملیات رمضان شدیم. به نظر شما اگر کمی صبر می‌کردیم تا به لحاظ اطلاعاتی و تجهیزاتی قوی‌تر می‌شدیم، بهتر نبود؟

اگر بخواهیم در مورد این موضوع بحث کنیم باید نسبت به شرایط موجود همان روز صحبت کنیم. ادامه عملیات رمضان با وجود اینکه دستاورد منطقه‌ای و فتح سرزمینی از داخل خاک عراق برای ما نداشت اما تصمیم بجایی بود که گرفته و اجرایی شد. ما نمی‌خواستیم به دشمن مهلت بدهیم. عملیات رمضان بر این مبنا بود که دشمن دوباره تجهیز نشود. اینکه امروز بنشینیم و بگوییم اگر این عملیات را دو ماه عقب‌تر انجام داده بودیم مثلاً هوا خنک‌تر شده بود یا اگر فلان کار را کرده یا بهمان کار را نکرده بودیم شاید اتفاق بهتری می‌افتاد، کاملاً در اشتباه هستیم. شرایط آن روز لزوم اجرای عملیات رمضان را ایجاب می‌کرد.

یعنی اگر ما زمان را از دست می‌دادیم آنها وارد عمل می‌شدند؟

بله آنها تجهیز می‌شدند. حتی بعد از عملیات کربلای ۵ امام فرمود اگر به صدام مهلت بدهیم او به دیگر کشورها حمله خواهد کرد. همین هم اتفاق افتاد یعنی بعد از پایان جنگ ایران و عراق و پذیرفته شدن آتش‌بس، صدام به کویت حمله کرد. آنجا بود که پیش‌بینی ایشان درست از آب درآمد. این بدان معنی است که اگر در طول جنگ هم فرصت‌های طولانی به صدام داده می‌شد او خودش را بیشتر تجهیز کرده و باز وارد عمل می‌شد. دنیا به دنبال این بود که جنگ پیروز نداشته باشد اما استراتژی جمهوری اسلامی این بود که یک پیروزی اساسی و مهم به دست بیاوریم. بنابراین باید بگوییم ما در آن زمان تصمیم درستی گرفتیم. دشمن اگر فاصله پیدا می‌کرد به هیچ چیز رحم نمی‌کرد و به هیچ چیز پایبند نبود. ما در طول هشت سال جنگ تحمیلی بارها و بارها با انجام عملیات ایذایی و عملیات کوچک دشمن را مشغول می‌کردیم. عملیات‌هایی نظیر قدس یک، قدس ۲، نصر ۲، ۳ و ۴ اینها به دشمن ضربه می‌زد. دشمنی که از سمت کشورهای استکباری حمایت شدید می‌شد. آنها حمایت ظالمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی از صدام داشتند. هدف ما در این عملیات تنبیه متجاوز و تعقیب دشمن بود تا کسی به خودش جرئت ندهد تا از مرزهای جغرافیایی کشورهای مسلمان عبور کند. چیزی که امروز می‌توان به عینه مشاهده کرد این است که طمع دشمنان ما به خاک کشور کم شده است.

از روند اجرای عملیات رمضان برایمان بگویید.

عملیات رمضان در شب ۲۳ تیر ۱۳۶۱ مصادف با ۲۱ ماه مبارک رمضان با رمز «یا صاحب‌الزمان ادرکنی» در منطقه عملیاتی شلمچه در شرق بصره آغاز شد. در این حمله ۱۰ تیپ از سپاه و دو لشکر از نیروی زمینی ارتش حضور داشتند که تحت امر چهار قرارگاه عملیاتی کار می‌کردند اما به علت موانع و استحکامات پدافند مثلثی شکل و میادین مین فراوان، نیروهای ایرانی نتوانستند با سرعت عمل به تمامی اهداف مورد نظر دست پیدا کنند. مرحله دوم نیز در محور میانی- جنوب پاسگاه زید- و با همان یگان‌ها و با تقویت دو تیپ دیگر صورت گرفت، که چندان موفقیت‌آمیز نبود و تنها مقداری خسارت به دشمن وارد آمد. مرحله سوم از جنوب پاسگاه زید آغاز شد و نیروهای ایرانی به‌طور خیره‌کننده‌ای به درهم شکستن و تصرف مواضع دشمن پرداختند. مرحله چهارم عملیات از محور جنوبی منطقه عملیاتی شلمچه شروع شد اما به دلیل هوشیاری و آمادگی عراقی‌ها و استحکامات و مواضعی که تعبیه شده بود، راهی از خط نخست دشمن، به روی رزمندگان اسلام باز نشد. مرحله پنجم و پایانی که تلاش نهایی و اصلی این عملیات سیاسی- نظامی بود، از شمال پاسگاه زید در حد فاصل دژ مرزی عراق و خاکریزهای مثلثی آغاز شد. در بدو درگیری و نبرد، همه چیز طبق طرح فرماندهان ایرانی پیش می‌رفت و نیروهای ارتش و سپاه توانستند گذشته از پاکسازی و الحاق، خاکریزی مناسب و دو جداره در جناح شمالی بسازند ولی از آنجا که دقت کافی در ساخت آن به‌کار نرفت، دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند.

شما عدم‌الفتح عملیات رمضان را در چه می‌دانید؟

علل زیادی را می‌توان در عدم‌الفتح عملیات رمضان مؤثر دانست. گرمای طاقت‌فرسای تیرماه سال ۶۱، وجود استحکامات در خطوط مرزی عراق، وجود دژهای دفاعی و موانع مثلثی شکل از دلایلی است که می‌توان در عدم موفقیت این عملیات به آن اشاره کرد. از طرف دیگر حضور نیروهای خودی در دشت‌های مسطح و بدون پوشش و استحکامات نظامی در این امر بی‌تأثیر نبود. به‌رغم تلاش زیاد رزمندگان در مدت سه هفته‌ای که از اجرای عملیات رمضان می‌گذشت بخشی از ارتش عراق را منهدم کرده و به لحاظ سرزمینی نتوانستیم منطقه‌ای را فتح کنیم.

جا دارد از همرزمان‌تان در این عملیات یاد کنیم. از شهدای این عملیات بگویید.

در عملیات رمضان شهید محمد تقوی، شهید حسین‌نژاد فرمانده گردان زرهی تیپ امام سجاد (ع) و تعدادی از بچه‌های سپاه و بسیج در روزهای اول عملیات به شهادت رسیدند و باقی بچه‌ها تا ۲۰ شبانه‌روز با روحیه بالا با عراقی‌ها جنگیدند. در این عملیات عبدالحسین صحرائیان فرمانده گردان خط‌شکن ما و از نیروهای جهرم فارس به شهادت رسید. گردان ایشان چهار گروهان داشت که از دو معبر عملیاتی وارد عمل شدند و خط را شکستند. دیگر نیروها از خطی که ایشان شکسته بود رخنه‌ای ایجاد کرده و وارد شده و به دستاوردهایی رسیدند. از دیگر شهدای این عملیات شهیدان ابراهیم فرزدقی از بچه‌های سپاه شیراز، شهید رضا شجاعی، شهید جلال خسروزاده، شهید مهدی اوجی و شهید پژمان بودند که در مراحل اول و دوم عملیات رمضان به شهادت رسیدند.

رزمنده‌ها در این عملیات نقش بی‌بدیلی از خود بر جای گذاشتند. حاج‌مجید سپاسی که تیم فوتبال فجر سپاسی به نام ایشان است، در عملیات رمضان خیلی مجاهدت کرد و رابط توپخانه ما با ارتش بود و آتش زیادی بر سر دشمن ریخت. ایشان بعدها در حالی که معاون عملیات لشکر ۱۹ فجر بود، به شهادت رسید. ابراهیم ایل از فرماندهان جهرمی بود که در این عملیات بسیار مجاهدت و مقاومت کرد و در عملیات‌های بعدی به شهادت رسید.

در مجموع عملیات رمضان با مقاومت دلاوران سپاه اسلام ضربات سنگینی به عراق وارد کرد. این ضربات در بعد انهدام ارتش عراق مؤثر بود. در این عملیات، ۱۰۹۷ دستگاه تانک و نفربر دشمن منهدم شد و ۵۰ تانک و نفربرشان به غنیمت نیروهای اسلام درآمد.

اگر می‌شود ما را مهمان خاطراتی از روزهای انجام عملیات رمضان کنید.

اکبر گل‌آرایش فرمانده گردان ۹۳۸ تیپ امام سجاد (ع) بود که در منطقه عملیاتی رمضان به اسارت دشمن درآمد و نوجوان بسیجی حسین دقت در آن عملیات در کنار ایشان به شهادت رسید. من در قرارگاه تاکتیکی کنار خط مقدم بودم که شهید سپاسی آمد و گفت اکبر گل‌آرایش محاصره شده و حسین دقت هم تیر خورده است. گویا بچه‌ها نتوانسته بودند از محاصره خارج شوند برای همین من و شهید سپاسی خودمان را به آن منطقه مورد نظر رساندیم. متوجه شدیم دشمن اکبر گل‌آرایش را به اسارت برده و حسین دقت هم شهید شده است. اکبر گل‌آرایش سال‌ها در اسارت عراقی‌ها ماند. خاطره دیگری هم که می‌خواهم برایتان روایت کنم این است که من به همراه بیسیم‌چی و نیروهای تحت امر خودم با هر سختی‌ای که بود از میدان وسیع مین، کانال‌های ضدتانک، سیم‌های خاردار و استحکامات و موانعی که در مسیرمان بود عبور کردیم. نیمه‌های شب اول عملیات بود. وقتی خط شکسته شد ما از آن عبور کردیم اما دشمن آنچنان روی دژ مرزی که قبلاً خودشان در آنجا مستقر بودند آتش می‌ریخت که هر کس از آنجا رد می‌شد از ترکش‌هایش بی‌بهره و بی‌نصیب نمی‌ماند. بسیاری از این ترکش‌ها از بالای سر ما رد می‌شد و برخی شهید و برخی مجروح می‌شدند. ما در این مرحله دشمن را عقب زدیم و در خط دوم هم با میدان مین و سیم‌های خاردار که دشمن جانمایی کرده بود روبه‌رو شدیم. دشمن با تجهیزات کامل نظامی وارد عملیات شد، شرایط دشتی و مسطح بودن منطقه و نبود جان‌پناه برای نیروهای ما را می‌توان از عللی دانست که در عدم موفقیت ما سهیم بودند اما روحیه ایمان و استقامت بچه‌ها باعث شد در این عملیات سربلند باشیم. از همین جا به روح امام و شهدای عملیات رمضان سلام و درود می‌فرستم و از رسانه شما که در این زمینه فعالیت می‌کند کمال قدردانی و سپاس را دارم.

یادکرد

نگاهی به قدرت فرماندهی شهید علی‌اصغر صفرخانی

علمدار گردان شهادت دانش‌آموخته مکتب همت و کریمی بود

■ احمد محمدتبریزی

به شهید علی‌اصغر صفرخانی به خاطر شجاعت و پیشتاز بودنش در عملیات‌ها لقب علمدار «گردان شهادت» داده بودند. یک بچه کرجی شجاع و خالص با شروع جنگ تحمیلی به جبهه‌ها رفت و نخستین تجربیاتش را در ستاد جنگ‌های نامنظم شهید مصطفی چمران کسب کرد. پس از عملیات الی بیت‌المقدس به عضویت سپاه پاسداران درآمد و در تیپ ذوالفقار لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) مشغول خدمت شد.

مثل دیگر رزمندگان سن و سال زیادی نداشت ولی روحیه‌ای مردانه و بزرگ داشت و این را هر کس که برای اولین بار علی‌اصغر را می‌دید متوجه می‌شد. تمام فکر و ذکرش کمک به جبهه و شاد کردن دل امام بود. در شجاعت و پاکی میان دیگر نیروها زبانزد بود.

خیلی زود صلاحیت و قدرت فرماندهی شهید صفرخانی برای فرماندهان محرز شد و او در چند عملیات فرماندهی زرهی را برعهده گرفت اما درجه و نشان خیلی برای شهید صفرخانی تفاوتی نمی‌کرد. هدف او خدمت و دفاع از میهن بود و در هر موقعیتی می‌خواست وظیفه‌اش را انجام دهد. زمانی که فرمانده شده بود باز پیشاپیش رزمندگان حرکت و با بی‌سیم نیروهای زرهی را در خطوط مقدم راهنمایی می‌کرد.

این فرمانده جوان و در عین حال باتجربه در دو عملیات بزرگ خیبر و بدر در کنار دو سردار رشید اسلام «شهید همت» و «شهید عباس کریمی» در آزادسازی جزایر مجنون حضوری فعال داشت و از نبرد در کنار این نیروها بهره‌های زیادی کسب کرده بود. بعد از عملیات بدر با کوله‌باری از تجربه و با یک ابتکار «گردان شهادت» را در سطح لشکر تشکیل داد که از نیروهای آرپی‌جی‌زن تشکیل شده بود. این گردان در لحظات حساس و جاهایی که فشار دشمن زیاد بود دلاورانه حماسه می‌آفرید.

محمود پیلان‌نژاد، همرزم شهید در خاطره‌ای از شهید صفرخانی می‌گوید: «دقیقاً به خاطر دارم، عملیات والفجر ۴ بود. به دستور حاج‌همت قرار شد با ۴۵ نفر نیرو از خاکریزی که در نزدیکی شهر پنجوین عراق بود دفاع کنیم. نیمه‌های شب دیدم صفرخانی که آن زمان مسئول زرهی لشکر بود در فاصله‌ای حدود ۱۰۰ متری کمین‌های دشمن دارد خاکریز می‌زند. رفتم نزدیکش و گفتم: «چه خبره؟ داری چه‌کار می‌کنی»؟ گفت: «باید این خاکریز را به آن ارتفاع بغلی متصل کنیم تا بشود از آن دفاع کرد. ما نباید منتظر آمدن نیرو باشیم، باید خودمان اقدام کنیم تا خط تثبیت شود». آن روز صفرخانی با همت و تلاشی بیش از حد تصور، کاری کرد کارستان. او با همین کار آن منطقه را که در حکم تنگه احد بود برای ما حفظ کرد.»

هر چه زمان انجام عملیات کربلای یک نزدیک‌تر می‌شد، حال و هوای فرمانده گردان شهادت نیز تغییر می‌کرد. آخرین باری که به خانه آمد دختر کوچکش را غرق در بوسه کرد و به همسرش گفت: «این دفعه آخره که شما و زینب را می‌بینم. حلالم کنید. ازت خواهش می‌کنم زینب من را زینب‌گونه بزرگ کنی». نیروهایش حالت‌های خاص فرمانده‌شان را می‌فهمیدند. آن‌قدر کم‌حرف و جدی شده بود که حتی جرئت نمی‌کردند به او بگویند ما را هم شفاعت کن.

آخرین عکس شهید صفرخانی ساعاتی قبل از شهادت

> غروب روز نهم تیر سال ۱۳۶۵، حمید داودآبادی با دوربین عکاسی‌اش، عکسی از فرمانده گرفت و گفت: «برادر صفرخانی، ان‌شاءالله این عکس رو می‌زنم روی حجله‌تون». شهید صفرخانی خندید و گفت: «عمراً اگه بتونی»

چند روزی بود که ارتش عراق شهر مهران را اشغال کرده بود. امام خمینی(ره) فرموده بود: «مهران باید آزاد شود.» همان روز در جمع نیروها داستان انقلاب اسلامی از سال ۴۲ تا قضیه شهر مهران و حساسیت منطقه و نظر امام را شرح داد و از قول آقای هاشمی رفسنجانی گفت امام امت فرموده‌اند مهران باید آزاد شود. شهید صفرخانی تأکید داشت که باید حرکت جدیدی را شروع کنیم و حتی اگر تمامی ما شهید شویم باید به لطف و یاری خدا، مهران را آزاد کنیم.

غروب روز نهم تیر سال ۱۳۶۵، حمید داودآبادی با دوربین عکاسی‌اش، عکسی از فرمانده گرفت و گفت: «برادر صفرخانی، ان‌شاءالله این عکس رو می‌زنم روی حجله‌تون». شهید صفرخانی خندید و گفت: «عمراً اگه بتونی». فردای آن روز در حالی که همه نیروها مشغول عملیات بودند و دشمن آتش سنگینی را روی سر رزمندگان می‌ریخت، شهید صفرخانی بالای خاکریز رفت تا اوضاع را کنترل کند. در همان حال ترکش خمپاره‌ای به پشت سرش اصابت کرد و در جا به شهادت رسید. شهید صفرخانی در حالی شهید شد که به همرزمانش گفته بود: «سلام مرا به امام برسانید و بگویید صفرخانی دین خود را به اسلام ادا کرد.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۶۹۷

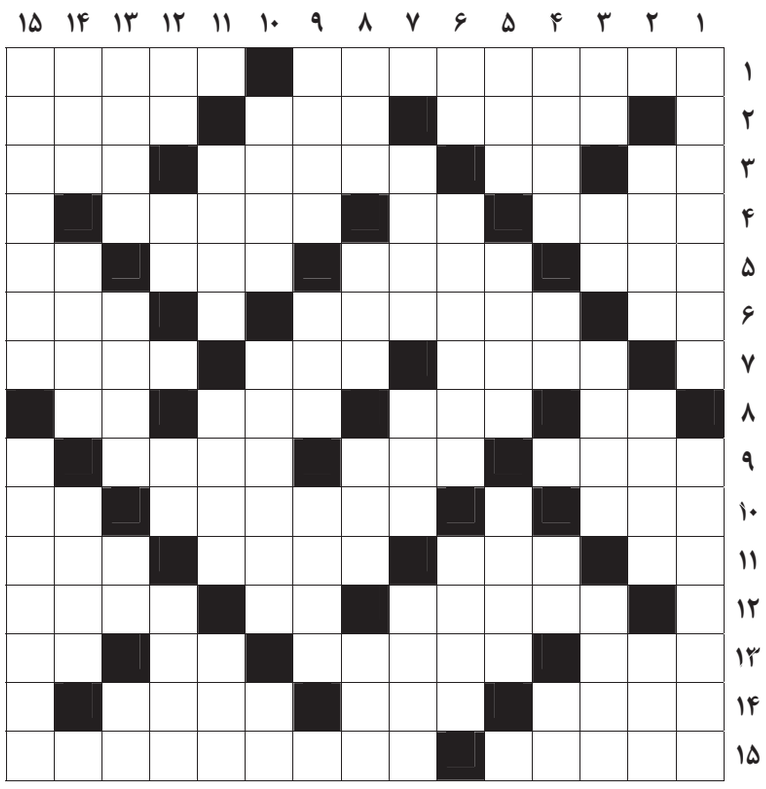

از راست به چپ

■ ۱- گیاهی علفی و پایا با ریشه معطر و دارویی- گودال زیرزمینی ■ ۲- نباید گلوگیر بشود- بخش سایش پذیر ترمز- مکان و آشیان ■ ۳- مغرور- رودی در چین- بین المللی- آلت شالی کوبی ■ ۴- سیماب- از به پا کردنی ها- همزن ■ ۵- پارچه یمانی- شهر زعفران- تابه نان پزی- ویتامین جدولی ■ ۶- دریا- میوه و سبزی های تازه- سگ بیمار ■ ۷- شکافنده علوم- جایزه قهرمانی- آسیب ■ ۸- قدم یک پا- زادگاه نیما- مکر و حیله- جدید ■ ۹- سجده کننده- اندازه گرمی و سردی هوا- زنخ ■ ۱۰- استخوان ران- خشمگین- شامل همه ■ ۱۱- کجاست؟- انصاف- ارتعاش- از شهرهای سیستان ■ ۱۲- نرده- سوی و طرف- ظرف آب ■ ۱۳- خاخام- از ابزار نقاشی- بغل- حرف فقدان ■ ۱۴- گلی سفید، کوچک و خوشبو- کشور اکرا- لامپ شکسته ■ ۱۵- هراس- بیماری مسری کودکان

از بالا به پایین

■ ۱- چاشنی کاهو- رهبر ملی اندونزی ■ ۲- اهرم- کرمینه- تند و تیز ■ ۳- مخفف بلکه- دوستی- بارنامه- ترعه و کانال ■ ۴- پارکینسون- حرف فاصله- مادر لر- زهر ■ ۵- رود جیحون- باشه- بوستان ■ ۶- مقابل علیه- شهری در استان سمنان- مغز سر ■ ۷- واحدی در سطح- دلدار پروانه- حنا ■ ۸- رها- پسوند آلودگی- متضاد فرع- عادت ■ ۹- مشهور- قوچ- دانه گیاه کتان ■ ۱۰- ورزشی مفرح- پارچه شطرنجی- همراه ناله ■ ۱۱- آحاد- علم- نوعی قایق ■ ۱۲- دریا- صورت- ساز شاکی- کنایه از مردن و جان دادن ■ ۱۳- فیلم علی حاتمی- آشتی- کتف- روحانی زرتشتی ■ ۱۴- ایمن- خالق طاعون- گریزنده ■ ۱۵- فسیل- خالق تابلوی عصر عاشورا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۹							۷	
	۷		۵	۹				
						۱	۳	
	۶					۳		۴
۵				۴	۳		۶	
		۴			۷			
			۹		۸			
۴				۷			۹	
۳						۸		

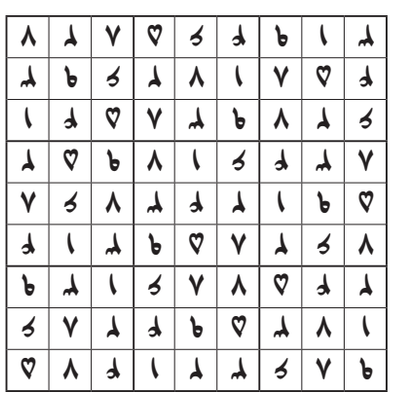

جدول کلمات متقاطع
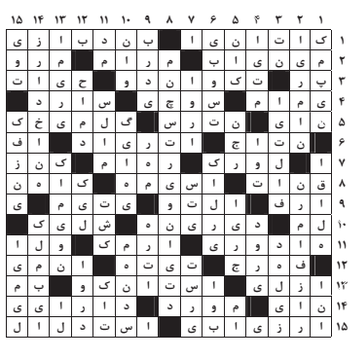
پاسخ جدول شماره ۵۶۹۶